

دریچه

دستی که توافق بر سر آموزش و سلامت می‌کشد



محمدحسین نجاتی

● تحریم، سال‌هاست مناسبات آموزش‌عالی و نظام بهداشت و درمان کشور را به‌هم زده است. اوج این به‌هم‌ریختگی هم‌زمان با کره کور مذاکرات در دولت دوم احمدی‌نژاد بود. در سالی که هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، دولت احمدی‌نژاد به فکر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها افتاد، طی شش ماه وزارت بهداشت را با بیشترین فشارها مواجه کرد. از یک طرف داروهای ضروری برای درمان بیماران خاص در کشور به‌صورت یک‌طرفه‌ای تحریم و واردات مواد اولیه دارو که نیاز اصلی تولیدکنندگان داخلی است محدود شد و از طرف دیگر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها هزینه‌های تمام‌شده خدمات درمانی را برای مردم و بیمارستان‌های دولتی چنان بالا برد، که بیمارستان‌ها به مرز ورشکستگی رسیدند و حتی نتوانستند حقوق کارمندان خود را بدهند و مردم بیشتری براساس هزینه‌های درمانی بالا به زیر خط فقر سقوط کردند. این وضعیت حاصل تحریم و سومدیریت داخلی بود و حتی دولت احمدی‌نژاد در این راه از اولین وزیر زن در جمهوری اسلامی ایران را قربانی کرد؛ جایی که مرضیه وحیدسترجدی از واردات دسته‌بیل، غذای حیوانات، پورشه و... به‌جای واردات دارو انتقاد کرد و همین انتقادات منجر به برکناری او از وزارت بهداشت شد. در این سال‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، بر اثر تحریم و سومدیریت داخلی، تولید دارو در کشور به‌طور چشمگیری کاهش یافت، هزینه‌های پرداختی از جیب مردم برای دریافت خدمات درمانی از ۵۶ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۲ رسید، تعداد بیماران مراجعه‌کننده به مراکز درمانی که با یک‌بار مراجعه به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، از ۹۰۹ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۲ رسید و هزینه‌های درمان سرطان و بیماری‌های خاص در ایران به ماهی ۳/۵ تا چهار میلیون تومان رسید. این اتفاقات گرچه در دولت روحانی تا حد زیادی مدیریت شد، اما وابستگی وزارت بهداشت به منابع مالی دولتی و کاهش درآمد دولت باعث شد، تحریم‌ها خود را در دولت روحانی نیز نشان دهند. تا جایی که حسن قاضی‌زاده‌هامنی، وزیر بهداشت، لب به انتقاد گشود و عنوان کرد: «عده‌ای در ابتدای اجرای این طرح (تحول نظام سلامت)، ما را حمایت کردند، اما بعداً به‌دلیل یک محبوبیت‌طلبی کاذب، کم‌لطفی‌های خود را آغاز کردند. این افراد خود اصرار به شروع طرح تحول داشتند، اما اکنون بافشاری می‌کنند که تعرفه‌ها باید هشت‌برابر شود. این حرف‌ها، حرف‌هایی غیرمنطقی است و گویا این افراد خارج از مرزهای ایران زندگی می‌کنند و شرایط سخت دولت را که سال گذشته نفت را به قیمت ۱۰۸ دلار می‌فروخت و امسال زیر ۵۰ دلار می‌فروشد، درک نمی‌کنند».

از آن طرف دیگر در حوزه آموزش‌عالی بخش زیادی از دسترسی‌های استادان دانشگاه به منابع علمی معتبر در دنیا تحریم شد.

تحریم‌ها از عدم صدور ویزا (روادید) برای محققان، دانشجویان و استادان در برخی از رشته‌های دانشگاهی شروع شد، پتروشیمی، گاز طبیعی، انرژی هسته‌ای، مطالعات اتمی، مهندسی هسته‌ای و فیزیک اتمی در فهرست رشته‌های تحریم‌شده قرار گرفتند. اما تحریم تنها به این رشته‌ها محدود نشد و مقامات آمریکایی برخی از کورس‌های میان‌رشته‌ای را نیز هدف خود قرار داده و به‌دنبال اعمال فشار علیه آنها بودند. به‌طوری‌که اگر دانشجویان رشته‌های مختلف و متعدد مدیریت و نیز کامپیوتر دارای سابقه کار در حوزه‌های حساس ایران از جمله انرژی (هسته‌ای، نفت، گاز و پتروشیمی) بوده یا قصد داشتند پس از فراغت از تحصیل در چنین مشاغلی مشغول به‌کار شوند، نمی‌توانستند در دانشگاه‌های مختلف ایالات‌متحده ادامه تحصیل دهند.

علاوه‌براین، تحریم‌های بانکی در این سال‌ها باعث شد، سروشوت تحصیلی بسیاری از دانشجویان ایرانی در کشورهای خارجی تغییر کند. بخش زیادی از این دانشجویان توان دریافت پول از ایران و انتقال به بانک‌های خارجی را نداشتند که تأثیر مستقیم تحریم بود و به شکل غیرمستقیم نیز کاهش ارزش پول در ایران و افزایش نرخ ارز. قدرت مانور مالی این دانشجویان در کشورهای خارجی را تا حد زیادی محدود کرد.

حالا دولت روحانی، با تلاشی که برای حصول توافق هسته‌ای انجام داد، علاوه بر اینکه به مطالبه دو طبقه مهم حامی خود در انتخابات یعنی دانشگاهیان و کارگزاران سلامت پاسخ داد، زمینه‌ساز رفع مشکلاتی در حوزه آموزش و سلامت شد که اگر طی سال‌های اخیر بیشتر از حوزه‌های اقتصادی ضربه نخورده باشند، کمتر نخورده‌اند. به‌طورقطع رفع تمامی این مشکلات از دوسال قبل در دولت روحانی آغاز شده و شاید تا دوسال بعد نیز ادامه داشته باشد. اما نکته مهم در این میان اراده‌ای است که دولت روحانی برای حل مشکلات در حوزه‌های سلامت و آموزش دارد؛ اراده‌ای که حالا با حصول توافق هسته‌ای دست دولتمردان را برای رفع چالش‌ها بازر می‌کند.



شبنم رحمتی

نیچه می‌گوید: «آدمی هرچه بیشتر خود را راه برد، دیگران کمتر او را راه خواهند برد». امروز همه ایرانی‌انی که در دوران تحریم‌های ناجوانمردانه صدمه دیدند اهمیت این سخن را بهتر از سایر مردم جهان درک می‌کنند.

گفتمانی که با منطق و دیپلماسی پیش رفت، موفق شد مسیری را



فاطمه جمال‌پور

تهران را صدای رادیو برداشته است؛ رادیوی ماشین، اتوبوس، رادیویی در مغازه و رادیویی جیبی. صدایی که از رادیو می‌آید، لبخندی کم‌رقم بر لبانشان نشاند؛ کم‌رقم‌قی‌ای که از گذراندن مذاکرات می‌آید. اینجا ایستگاه اتوبوسی در حوالی میدان شوش، در باجه مدیر ایستگاه، رادیوی کوچک، نشست شوش، و موگرینی را پخش می‌کند، سراپا گوش شده‌اند. رو به من می‌گوید: گوش‌هایت را بگیر، و سسوت می‌کشد. اتوبوس راه می‌افتد و اتوبوس بعدی در جایش قرار می‌گیرد. مرد به میان‌سال‌ی قدم گذاشته، نشسته در باجه یک‌دریگ، رادیو اعلام می‌کند که تا چند لحظه دیگر وزرای خارجه متن بیانیه مشترک را قرائت می‌کنند. می‌گوید: «خوشحالم آره، اگر به نفعمان باشد و از این وضعیت دربیایم، همه خوشحالند. می‌گویند آمریکایی‌ها بیشتر از ما خوشحالند. شنیدم جوان‌هایشان آنجا خیلی خوشحالی کردند، با خنده می‌گویند حتی می‌خواهند نمایندگی (نام یکی از شرکت‌های خودروسازی را می‌گوید) به آمریکایی‌ها بدهند». می‌پرسم: انتظارتان چیست؛ خارج که نه تا مشهد بتوانیم برویم و برگردیم، به سراغ رانندگان اتوبوس‌های واحد می‌روم. اولی مرد جوان لاغر و تکیه‌ای است با صورت لاغر و کشیده: «من چیزی نمی‌دانم. ما چهار صبح تا ۱۰ شب اینجاییم چطور بگیریم کنیم». از اتوبوس پیاده می‌شود و با دست، پیرمرد راننده اتوبوس پشتی را نشان می‌دهد: «از اون بیرس». پیرمرد با شک و تردید در اتوبوس را باز می‌کند، در جواب سوالم می‌گوید: من اصلا اخبار نگاه نمی‌کنم به‌هیچ‌عنوان چون دروغ می‌گویند. آن توافق هم به حال من چه فرقی می‌کند. از نظر اقتصادی؟ اقتصادی که چرا اما انتهای دیگر به حال ما فرق می‌کند؛ منی که از صبح تا شب می‌آیم دیگر بروم چه اخباری ببینم شب هم خدا شاهده مثل مرده‌ها می‌افتم. انتظارم این است که لاقال لوازم ماشین ارزان شود، جنس‌ها بیاید پایین. فکری به حال این ملت نکنند. مرد راننده؛ تاکسی

جامعه

بر نقشه‌های کهنه خطی تازه می‌کشیم

که امکان منتهی شدن به جنگ داشت، به گفتمان پیروز جامعه جهانی بدل کند.

اما نباید اسیر هیجانات کاذب شوم و گمان کنیم از فردا قطار روی ریل می‌افتد و سیل پول‌های بلوکه‌شده روانه کشور می‌شود، نباید گمان کنیم دیگر اثری از مشکلات نخواهد بود و انتظارات غیرواقعی ایجاد کنیم. اقتصاددان‌ها معتقدند پس از توافق، افزایش تولید نفت به سطح پیشاتحریم دست‌کم یک سال به طول خواهد انجامید و رفع موانع واردات و ورود دلارهای آزادشده نخستین متغیرهایی هستند که مردم در زندگی روزمره لمس می‌کنند؛ اما رونق اشتغال و رفع بیکاری دست‌کم دو، سه سال طول می‌کشد. تحولات مثبت اقتصادی

توافق به روایت تهران

رادیو را روشن گذاشته: «خدا کند جزئیاتش هرچه باشد به‌نفع مردم باشد، این فشارهای اقتصادی از دوش مردم برداشته شود، مردم واقعا دیگر طاقت ندارند». به سمت میدان شوش می‌رویم. سه بیکان‌وانت بساط میوه‌فروشی کرده‌اند و اطرافشان حسابی شلوغ است. خانم چادری مسن رویش را بسته و منتظر خرید سیب‌زمینی است، بی‌خبر است. وقتی می‌گویم توافق شده گوشه چشم‌هایش ریز می‌شود اما لب‌خندش را از پشت چادری که جلو دهانش گرفته نمی‌بینم، می‌گوید: خوشحالم. مرد کلاه‌کاسکت‌به‌سر کناردستی می‌گوید: «به داد مردم برسند، گرانی‌ها به‌کم ارزان شده، ان‌شاءالله، جوان‌ها سروسامان بگیرند، مملکت خوب باشد، انتظار ما همین، چه دیگه؟» سه مرد جوان فروشنده دست از کار کشیده‌اند. اولی می‌خندد و می‌گوید: «دستشان درد نکند، ما چه کار کنیم؟ تأثیری به حال ما ندارد. آیا چیزی ارزان می‌شود، فکر نمی‌کنم چیزی ارزون بشه، از این گرون‌تر نشه، ما راضی‌ایم، دعا می‌کنیم. من آدمی‌ام که دارم روزی ۱۵۰ هزار تومن آمپول می‌خرم برای زخم. کسی می‌خره؟ بیمه از ۶۰ تا آمپول ۶ تاش‌رو قبول کرده است. بعد از یک هفته که در لیست می‌ماند». پسرک جوان دیگر می‌گوید: «چرا خوشحال‌م نکنه، همه چیز ارزان می‌شود. قیمت‌ها همه رفته بالا. نمی‌تونیم هیچ چیی بخریم». دو زن جوان در حال عبور از خیابان‌اند در میدان قیام، یکی چادری و دیگری مانتویی و محجبه است. زن جوان چادری می‌گوید: از دهن مردم شنیدم، خوشحالم چون ارزانی می‌شود، انتظارم این است که یک‌دوره دست‌وپال مردم باز شود، کمکی شود. ششورم ارتشی است، حقوق‌ها خیلی پایین است. خانم مانتویی می‌گوید: دیشب می‌گفتند جشن است ما هر چه منتظر می‌بودیم خبری نشد، رفاه بیشتر شود، همین‌مد میان‌سال پشت ريو نشسته، هفت بچه دارد و کاشیکار است، شب هم خدا شاهده مثل مرده‌ها می‌افتم. انتظارم این است که لاقال لوازم ماشین ارزان شود، جنس‌ها بیاید پایین. فکری به حال این ملت نکنند. مرد راننده؛ تاکسی

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به نتایج مذاکرات هسته‌ای

تویت‌هایی برای توافق

رکود اقتصادی کم‌رشدن‌تر می‌شد، تحریم‌ها ادامه می‌داشت و شاید بیشتر هم می‌شد. اگر شرایط بدتر می‌شد، هر لحظه امکان حمله نظامی و جنگ بود، این قسمتش برای همه عیان است، نهنتها هیچ‌کدام اینها نشده، بلکه تحریم‌ها و محدودیت‌ها کمتر می‌شود، مردم عادی نفس راحتی می‌کشند و امنیت و ثبات را حس می‌کنند، وضع اقتصادی به پیش‌بینی من که نه اقتصاددانان، بهتر می‌شود. پس چرا خوشحال باشیم؟ مهم نیست که به‌جای فلا لاعداد ساترتیفوز، یک‌پنجم آن می‌چرخد، سایر دستاوردها این قدر مهم هست که از برخی موارد بتوان به راحتی گذر کرد.

و... هم همراهی کردند. حساب‌هایی توئیتری که به ماجرای توافقی صورت‌گرفته میان ایران و غرب پرداخته و نوشته است: «برد- برد بود، اما انتها بیشتر بردند. چاره‌ای هم نبود، دولت بر تعداد ساترتیفوز، مذاکره شد که نقشی در ترسیمش نداشت و به‌بهترین وجه «ممکن» جلو فاجعه را گرفت. می‌ماند پاسخی که دولت قبل و حامیانش باید به مردم و تاریخ بدهند بابت قطع‌نامه‌ای که هیچ‌وقت باره نشده. شادی خیابانی هم در این اوضاع چندان به سود منافع ملی ما نیست؛ چون پیام‌های بدی به طرف مذاکرات‌ورو به جد، از آنکه وجعی هم ندارد، چیزی شبیه به شادی بعد از باخت فوتبال‌مان است به آرتانتین. ناف ما را با ترازوی بریدند...».

زهرا رضائانی از دیگر کاربران فیس‌بوک هم به دیپلماسی توئیتری جواد ظریف اشاره کرد و آن را این‌گونه تحلیل کرد: «البته چاره داره در این بین، از توئیتر و نقش جالب اون هم در مذاکرات یادی نکنیم. بعید می‌دونم هیچ شبکه اجتماعی تا به این حد در مذاکرات سیاسی این‌چنین نقش پررنگ داشته تا به حال... نهنتها ۲۴ ساعته توسط انگشتان پیگیر و خستگی‌ناپذیر ما زیر و رو می‌شد، که خیلی از هسته‌ای نوشتند. برخی خوشحالی خود را بروز داده و برخی تحلیلشان از این رویداد مهم را نوشته‌اند. برخی از دلایل شادی‌شان گفتند و برخی دیگر از گمانه‌زنی‌ها پیرامون وضعیت جدید و آینده پیش‌رو.

یکی از کاربران فیس‌بوک به نام حامد دلایلش برای خوشحالی از توافق صورت‌گرفته را به این شکل برای دوستانش توضیح داده است: «چرایی خوشحالی من این است؛ اگر کشور شرایط فعلی ادامه می‌داشت،

پس از توافق اولاً یک‌شبه نخواهد بود و تدریجی است و حتی با تأخیر رخ خواهد داد. این در حالی است که نظرسنجی‌های معتبر حوزه اجتماعی نشان می‌دهد اشتغال و بیمه و ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی از مهم‌ترین مطالبات مردم از دولت است. با این حساب مردم توقع دارند بلافاصله پس از رفع تحریم‌ها معضل بیکاری حل شود و جوانان سروسامان بگیرند درحالی‌که تغییر این وضعیت به سادگی ممکن نیست و باید عقلانی به ماجرا نگاه کرد. بخش بزرگی از این آگاهی‌بخشی هم به عهده ما رسانه‌هاست. نباید منتظر رخدادهای عظیم در حوزه اقتصاد یا اجتماع باشیم، زندگی همه ایرانیان عوض می‌شود اما به آرامی.

گفت، نظر من هم هست. از کنار فرهنگستان هنر و خیابان طالقانی رد می‌شویم و می‌رسیم به میدان ولیعصر. وارد پاساژ موبایل می‌شویم، در آستانه در دو پسر با موهای دور کوتاه، یکی با ریش‌بلند و تی‌شرت جذب جیج و بدن ورزشکاری ایستاده است. می‌گویند: نه، ما اخبار توافق را دنبال نکردیم، من هیچی نفهمیدم. می‌پرسم خوشحالتان کرد؛ از دوستش می‌پرسم تو را خوشحال کرد و بعد هر دو می‌گویند یک ذره و بعد هم اضافه می‌کنند خیلی برایشان فرقی ندارد؛ چون خیلی مرفه‌اند و چهار تا مغازه در این پاساژ دارند. یکی دیگر از فروشنده‌ان می‌گوید: خوشحال شدیم، برای ما رفع تحریم‌ها و گسترش روابط با خارج از کشور مهم است از این انزوا بیرون بیاییم. در کوتاه‌مدت انتظار نداریم در اقتصاد اتفاقی بیفتد اما در بلندمدت چرا.

از میدان ولیعصر به سمت میدان ونک می‌روم. خیابان ولیعصر اینجا در قرق اتوبوس‌های بی‌آرتی است. از کنار پارک ساعی و کلاغ‌هایی که از گرما به سایه چنارها پناه آورده‌اند، می‌گذرم و به مراکز خرید ونک می‌رسم. خانم جوانی می‌گوید دغدغه‌هایش خیلی بیشتر از این است که اخبار توافق را دنبال کند. خانم جوان دیگری با موهای مشکی و چشم‌های روشن، سایپورت و مانتوی جلوباز می‌گوید «بچه‌ها تو تلگرام توی گروه گذاشتند عکس توپیت روزنامه خودتان را. ما اولش فکر کردم الکی است، اما انگار واقعی بود و می‌زند زیر خنده و می‌گوید خیلی خوشحال شدم و امیدوارم همه تحریم‌ها را بردارند. حداقل مسئولان این چندسالی که به مردم سخت گذشت را جبران کنند، چون واقعا به مردم سخت گذشت. خواهر من بچه تهران است و ما هفت پشتمان تهرانی هستند اما به خاطر گرانی مجبور شد برود حاشیه تهران ساکن شود و این خیلی برایش وحشتناک بود. از دو دختر امروزی دیگری می‌پرسم. یکی‌شان می‌گوید: خوشحالم اما نه زنا، چون حقمان بود، نباید زیاد خوشحال باشیم و دیگری می‌گوید: باید به دولت پاسخ بدهیم. از پاساژ بیرون می‌آیم و از کنار ایستگاه تاکسی میدان ونک رد می‌شوم، حال رادیو تاکسی‌ها در حال پخش سخنرانی روحانی هستند اجازه نمی‌دهم کسی به نام نقد به امید مردم صدمه بزند».

برای اولین‌بار با توانمندی مذاکره‌کنندگان ایران، کشورمون بدون جنگ از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد خارج شد.

رای سال ۹۲ به ثمر رسید، دم هرکی رای داد گرم. چهار سال پیش نگران بودم که به ایران حمله نظامی بشود و من ایران نباشم و الان غیظه می‌خورم که چرا برای جشن در کشور نیستم.

بهرترین حس مردم به کشور، در صلح‌بودن با تمام دنیاست. انزوا خواست ما نبود؛ مچگریم آقای ظریف یکی مرد جنگی (ظریف) به از صد هزار. بهرکت وجود سایه رهبر عزیزم اینن توافق به دست امد جانم فدای رهبرم سیدعلی خامنه‌ای. بعد از سال‌ها تندروی و جولان دلالان تحریم که خوردند و بردند و پورشه‌سوار شدند، عقلانیت و منطق فر فریادهای بیبوهه پیروز شد.

کاش دلواپسان، کام شیرینی توافق را، تلخ نکنند. توش دهننی محکم به تانیاهو و وزیر خارجه

عربستان. خوشحالم برای اینکه یک‌بار دیگه معلوم شد عقلانیت چقدر بهتر از داد و بیاد پوچ و توخالی جواب میده!

خورشید ما تو افاق بود، ما مطمئن نبودیم طلوع

بکه به برکت وجود سایه رهبر عزیزم اینن توافق به

باشیم:!! #IranDeal #توافق

این تنها یک پیروزی ساده نیست، پیروزی لبخند، مناتت و گفت‌وگوست بر همه جنگ‌های بشری و از جنبه‌های بسیاری ارزشمند است.

قدرت ایران به رخ جهانیان کشیده شد. حق را تحریم نبود. آینده از آن ما جوانان

ایرانیت. خیلی خوشحالم

تمرین آرام دموکراسی بود که با رای مردم به روحانی آغاز شد... هنوز خیلی کار داریم که اون هشت سال قبل رو جبران کنیم.

این رویداد به جهان، نشون داد که دوره جنگ و خون‌ریزی تمام شد و پیچیده‌ترین مسائل رو میشه با گفت‌وگو حل کرد.

وقتی خبر توافق رو شنیدم، بی‌اختیار یاد خبر آزادسازی خرمشهر با صدای آقای حیاتی افتادم. یک پیروزی بدون شلیک حتی یک گلوله.

من خیلی خوشحالم حتی اگه توافق هم نمی‌کردیم تمام بر سر موضوعون و عزت و شرف ایران و ایرانی پافشاری کردیم و بحق پیروز شدیم

خبر

شادی خیابانی‌پس از توافق وین

● شرق: شامگاه بیست‌وسوم تیرماه چند ساعت پس از اعلام توافق هسته‌ای ایران و ۵۰۱ مردم در تجمعات خودجوش در میداین ولیعصر، ونک و ... به خیابان آمده و به ابراز شادمانی پرداختند. به گزارش خبرنگار «شرق» جمعیت حاضر در میدان ولیعصر بالغ بر دوهزار نفر بودند. شعارهایی در حمایت از ظرفیت و ترانه‌های یاردهستانی و سراومد زمستان شنیده می‌شد. تجمع مردم تا پاسی از نیمه‌شب ادامه داشت.



ادامه از صفحه اول

نقطه‌عطف تاریخی

تشییع جنازه پرشور و گسترده ۱۷۵ شهید غواص بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از جنگ نشان داد که نقطه‌عطفی که ۳۱ شهریور ۵۹ حمله عراق به ایران در جامعه ما ایجاد کرده، چقدر هنوز اثرگذار است.

دوم خرداد ۷۶ هم به‌گونه دیگری نقطه‌عطف تاریخ ایران شد. امواج مطالبات مدنی و درخواست آزادی‌های سیاسی که آن انتخابات در جامعه ایران به راه انداخت همچنان بعد از گذشت ۱۸ سال بخش‌های وسیعی از جامعه ایران را دربر گرفته است. ۲۳ تیر ۹۴ و حصول توافق به بار هسته‌ای با غرب چیزی از جنس آن سه رویداد است. اگر ۱۳ آبان آمریکا‌ستیزی؛ ۳۱ شهریور ۵۹ حماسه و مقاومت؛ دوم خرداد ۷۶ مطالبات جامعه مدنی را رقم زد، ۲۲ تیر کدام تحول عمیق سیاسی و اجتماعی را به‌همراه خواهد آورد که آن را هم بتوانیم نقطه‌عطف تاریخی در ردیف آن سه مقاطع تاریخی دیگر بدانیم؟

بسیاری می‌گویند که اهمیت ۲۳ تیر در تغییر و تحولات عمیق اقتصادی است که در جامعه ایران رقم خواهد خورد. رفع تحریم‌ها و عادی‌شدن روابط اقتصادی با دنیا را بسیاری از جمله شماری از مسئولان دولت بازدهم، به‌عنوان برجسته‌ترین نقطه‌عطف توافق هسته‌ای برخواهند شمرد.

این درست است که تحریم‌ها محدودیت‌ها و معضلات زیادی برای اقتصاد ایران ایجاد کرده بود. اما با وجود گشایش اقتصادی‌ای که توافق به بار خواهد آورد، «تحول اقتصادی»، آن نقطه‌عطف تاریخی‌که توافق هسته‌ای به‌همراه می‌آورد، نخواهد آورد. اقتصاد ما یک اقتصاد ناکارآمد دولتی است که تحریم‌ها، وضع آن را حادتر کرده بود. برداشته‌شدن تحریم‌ها خودبه‌خود نه اقتصاد ما را کارآمدتر خواهد کرد و نه لزوماً از فساد خواهد کاست. نسخه بهبود اقتصاد ما رفتن به‌دنبال مسیری است که در سه، چهار دهه گذشته، بسیاری از کشورهای مشابه ما پیمووند و از اقتصادهای شبه‌دولتی ناکارآمد و درحال‌توسعه به اقتصادهای موفق صنعتی تبدیل شدند. داروی شفابخش اقتصاد ما، برداشته‌شدن تحریم‌ها نیست، بلکه بای‌گذاردن در مسیری است که برزیل، آرژانتین، ترکیه، هند، مالزی، مناطق آزاد چین و دیگران پای گذارند. یعنی رفتن به‌دنبال الگوی توسعه اقتصادی بازار آزاد آدام اسمیت. توافق هسته‌ای لزوماً توسعه سیاسی و بازشدن جامعه مدنی چشمگیری را هم به‌دنبال نخواهد آورد. اگر توافق هسته‌ای نه در اقتصاد ما شق‌القمری خواهد کرد، نه در مناسبات سیاسی و اجتماعی‌مان، پس اهمیت آن در کجاست؟ معتقدیم ۲۲ تیر ۹۴ بدل به یکی از نقاط عطف تاریخی انقلاب اسلامی ایران خواهد شد؟

توافق هسته‌ای‌نه البته به‌صورت سیل بنیان‌کن بلکه بیشتر به‌صورت سدی در برابر رفتارهای تنش‌آلود با برخی کشورها که همچنان در جامعه ما برجای مانده عمل خواهد کرد. توافق هسته‌ای در حقیقت نقطه‌عطفی خواهد بود از جهت التیام‌بخشی و بازگرداندن پراکمتیسم نگاه آشتی‌جویانه به جهان در عرصه سیاست خارجی ایران اسلامی.

خیلی سال‌ها بعد از توافق هسته‌ای ۲۳ تیر ۹۴، ایران‌شناسان، استادان دانشگاه و محققانی که روی تاریخ ایران اسلامی کار می‌کنند خواهند

نوشت که توافق هسته‌ای آغاز پایان تنش با غرب و آشتی ایران با جامعه بین‌المللی را رقم زد.